

## «شیر و خورشید» علامت مذهب و ملیت است نه نشان سیاسی\*

**الف.** در بهمن‌ماه سال ۱۳۸۵ پس از تقاضای عده‌ای از نمایندگان دوره هفتم «مجلس شورای اسلامی ایران»، غلامعلی حداد عادل، رئیس وقت مجلس، «از مردم خواست که در مورد برگشت مجدد نماد شیر و خورشید بر سر در مجلس نظر بدهند»<sup>۱</sup>. در پی این خبر، در جهان نشر مجازی (اینترنت) یادداشت‌ها و اشاره‌های درخور توجهی مرتبط با این موضوع، به ویژه، به قلم جوانان علاقه‌مند نوشته شد. اما در مطبوعات، تاجایی که صاحب این قلم پی‌گیری کرد، چندان به آن پرداخته نشد. دلیل چه بود، نمی‌دانم. شاید مشکلات مملکت آنقدر زیاد است که علامت کهن شیر و خورشید را به موضوعی حتی آن‌سوتر از حاشیه تبدیل کرده است. تا آن‌که سرانجام، در روز هفدهم امردادماه سال ۱۳۸۷، چند روز پس از سالگرد مشروطیت، شیرها بدون خورشید بر سر در مجلس گذاشته شد. اما باکمال شگفتی، پنج روز بعد، یعنی در روز بیست‌ویکم امرداد، آن‌را از سر در مجلس برداشتند<sup>۲</sup>.

**ب.** آشکار نیست که مخالفت با نصب نشان «شیر و خورشید» بر سر در مجلس جنبه سیاسی دارد یا وجه دینی. به هر روی، به‌عنوان یک ایرانی علاقه‌مند به سوابق متقدم و متأخر، ضروری دیدم در چند کلمه اشاره کنم که درباره این نشان پژوهش‌های مختلفی انجام پذیرفته و مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی نوشته شده است. امیدوارم مخالفان نصب نشان «شیر و خورشید»، که در حال حاضر زورشان چربیده است، و البته، موافقان نصب آن، که قدرتی ندارند، از مطالعه این آثار چشم‌پوشی نکرده باشند، و اگر تاکنون فرصت چنین کاری را نیافته‌اند، پس از این، از مطالعه آن‌ها هم چشم‌پوشند. من، در ادامه این یادداشت، تنها، خلاصه رأی و نظر دو تن از این پژوهشگران، یعنی سیدمحمد محیط طباطبایی (۱۳۷۱ - ۱۲۸۱) و سید جعفر شهیدی (۱۳۸۶ - ۱۲۹۷) را نقل می‌کنم. وسعت و استحکام تحصیلات و آگاهی‌های دینی و تاریخی و ادبی این دوره، علاوه بر وجه مذهبی‌شان، بر کسی پوشیده نیست. علاوه بر این، تا جایی که می‌دانیم، این دو پژوهشگر مورد وثوق رهبران و دولتمردان «جمهوری اسلامی ایران» نیز بوده‌اند.

**پ.** محیط طباطبایی «وجود نقش شیر بر پرده علم سلجوقی» را موجب «اعجاب و ستایش سخنوران ایران» دانسته است. علاوه بر این، «در نظر شیعیان روزافزون کشور، که در تلاش ظهور و قیامی وقت می‌گذرانند، این اندیشه را طرح می‌کرد که صورت شیر را تصویر خطی و نموداری از لقب محبوب حضرت علی بن ابی‌طالب یا اسدالله‌الغالب به‌شمار

\* شهروند امروز (س ۳، ش ۶۱، ۱۰ شهریور ۱۳۸۷، صص ۲۵ - ۲۴).

۱. آینده نو (۱۱ بهمن ۱۳۸۲)؛ تشرق (۱۱ بهمن ۱۳۸۵) و چند روزنامه و خبرگزاری دیگر.

۲. شهروند امروز (س ۵، ش ۹ - ۷، پاییز ۱۳۵۸، صص ۷۰۷ - ۷۰۵).

آورند و در این نشان، گویی وسیله‌ای برای ابراز مهر و علاقه باطنی خود یافتند و به همین سبب، در دوره مغول، دوباره، مجال به دست آوردند که نقش شیر و خورشید را با نام دوازده امام، یکبار، بر سکه محمد خدابنده ضرب کنند و پیش از آن هم بر سکه‌ای از آباخان ایلخانی پدیدار ساخته بودند. پس از آن، «جنید، جد شاه اسماعیل و نبیره شیخ صفی الدین»، نقش شیر و خورشید را بر علم مریدان خود نقش کرد و «علم شیر و خورشید خاندان صفوی، که مروج و حامی مذهب شیعه بودند، در مقابل نقش هلال بیرق عثمانی، که رمز مسلمان سنی شناخته شده بود»، نشان دولت شیعه ایران شناخته شد. در آغاز دوره قاجار، شکل خورشید به لفظ محمد (ص) و شیر به نام علی (ع) مزین شد و این اندیشه را بر دهن پندگان معتقد الفاء می‌کرد که خورشید رمز نبوت و شیر رمز ولایت شیر خداست. در عهد دومین شاه قاجار، «درفش شیر و خورشید، بیرق ذوالفقاری» هم «در کنار خود داشت». در نیمه حکومت قاجار نیز «از ترکیب این دو بیرق و دو نقش، یک بیرق با نقش شیر و خورشیدی پرداخته شد که شمشیر ذوالفقار به دست داشت». البته، «دایره خورشید روی شیر به صورت چشم و ابرودار آراسته بود که به روزگار مشروطه از آن پیراسته و ساده شد» و در سال ۱۳۲۵ قمری «هنگام تصویب متمم قانون اساسی به تصویب و کلای مجلس اول رسید که چند مجتهد و چندین عالم مذهب شیعه در میان آنان وجود داشته‌اند».

ث. محیط طباطبایی در حاصل جمع رأی خود و عده‌ای از پژوهشگران، که در سال ۱۳۵۸ از آنان در این زمینه نظرخواهی شده بود، چنین تأکید ورزیده است: «شیر و خورشید در مدت پانصد سال، به طور مستمر، نشان کشور شیعه ایران در سراسر جهان معرفی شده و شیعیان ایرانی، اعم از عارف و عامی، بدان مانند اثر مقدسی می‌نگریسته‌اند»<sup>۱</sup>.

ث. شهیدی هم، مانند محیط طباطبایی، اشاره کرده است که «شیر و خورشید» از پایان عصر مغول و تمام دوره صفوی و عصر قاجار، علامت مذهب تشیع به حساب آمده است. محمدشاه قاجار در آغاز پادشاهی خود، نشان تاج را بر بالای شیر و خورشید گذاشت. گویا از آن جهت که نشان دهد پادشاه کشور شیعه مذهب است. بدین ترتیب، شیر و خورشید علامت مذهب و ملیت بوده است نه نشان سیاسی. علاوه بر این، «وجود پرچم‌ها، کتیبه‌پوش‌ها، قالی‌ها، که از سیصد سال پیش به علامت شیر و خورشید مزین است، و از آن‌ها در تکیه‌ها، روضه‌خوانی، تعزیه‌ها استفاده می‌شود، مؤید آن است که شیر و خورشید رمز مذهبی است نه سیاسی». این پژوهشگر تاریخ و ادب، که در علوم دینی درجه اجتهاد داشت، به درستی، از نقش یکی از دولتمردان مشروطه‌خواه آذربایجانی، یعنی میرزا اسماعیل خان ممتازالدوله (۱۳۵۲ - ۱۲۹۵ق.) یاد می‌کند که «به نمایندگی از طرف کشور ایران برای شرکت در اتحادیه صلیب سرخ رفت» و «کوشش فراوانی به کار برد تا شیر و خورشید را برابر هلال عثمانی به دیگر اعضای صلیب سرخ بقبولاند». چون «صلیب نشانه دین است نه دولت، مسلم خواهد شد که شیر و خورشید از آن جهت که رمز مذهب تشیع است، به سازمان صلیب سرخ پیشنهاد شد، نه از آن جهت که علامت سیاسی پادشاه و دولت ایران است». البته، این پیشنهاد پذیرفته شد.

ج. خلاصه آن‌که «وجود خورشید یا نیمه خورشید بر سر کتیبه‌ها و بالای محراب‌ها و بعضی از مساجد»، از نظر شهیدی، «اشارتی» است به «فروغ ولایت علوی»: «تردیدی باقی نمی‌ماند که از شش قرن پیش، شیر یا شیر و خورشید را شیعیان ایران به کار برده‌اند و گویا اشارتی به اسدالله‌الغالب، علی‌علیه‌السلام، و خورشید ولایت است»<sup>۲</sup>.